

”

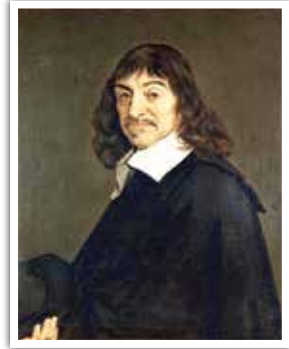
اگر دکارت را به یک معنا مؤسس تاریخ جدید بدانیم، از آن جهت که به آنچه به عنوان انسان قرون وسطی پذیرفته بود، شک کرد و در کنار گرایش مذهبی و تفکر فلسفی در زیر زمین خانه‌اش حیوانات را کالبدشکافی می‌کرد. او کتاب «تمهیدات» را می‌نویسد و به کلیسا تقدیم می‌کند به عنوان تذکر به کلیسا که کجا باید بایستد

می‌نماید و چنانچه خیال خود را با ارتباط با طبیعت و کندوکاو در آن مشغول نکند، خیالاتش او را با وهمیات پوچ مشغول می‌نماید و این جا است که نقش «کار» به معنای بستری برای تربیت و تعالی انسان به میان می‌آید و علم و صنعت در این زمانه موجب تعلق خاطر می‌شود که افراد را از احساس بیهودگی‌هایی بگذرد.

بالاخره انسان دارای سه بعد است، بعد عقلی که به کمک آن متوجه قواعد عالم می‌شود و سنت‌های جاری در آن، اعم از قواعد و سنت‌هایی که به کمک تجربه به دست می‌آورد و علوم تجربی از آن حکایت می‌کنند یا قواعد و سنت‌های غیر تجربی، مثل سنت دفاع اهل ایمان که خداوند به عهده گرفته و می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا...» (حج/۳۸)

در راستای ابعاد قدسی انسان می‌توان متوجه «قلب» هم شد که به کمک آن انسان با حقایق روبه‌رو می‌شود. انسان در ساحت و بعد خیال خود از یک طرف صورت آنچه را حس کرده در درون خود حاضر می‌کند و از طرف دیگر می‌تواند صورت آنچه را تعقل کرده در خیال خود ابداع کند، مثل آن که از مفهوم زیبایی، صورت گل را در خیال خود می‌سازد. مهم آن است که به گفته شهید مرحوم مطهری اگر ما خیال‌مان را در آرای یک کاری مدیریت نکنیم، عملاً و اهماه، میدان پیدا می‌کند و صورت‌های غیر واقعی را در درون ما می‌سازد، در حالی که در ارتباط با محسوسات و سر و کار جدی با آنها پیدا کردن، خیال انسان به میدان می‌آید برای ایجاد نسبتی منطقی با محسوسات و از این جهت مرحوم مطهری می‌فرماید: «چنان که خیال خود را با ارتباط با طبیعت و کند و کاو مشغول نکند، خیالاتش او را



اگر دکارت را به یک معنا مؤسس تاریخ جدید بدانیم، از آن جهت که به آنچه به عنوان انسان قرون وسطی پذیرفته بود، شک کرد و در کنار گرایش مذهبی و تفکر فلسفی در زیرزمین خانه‌اش حیوانات را کالبدشکافی می‌کرد. او کتاب «تمهیدات» را می‌نویسد و به کلیسا تقدیم می‌کند به عنوان تذکر به کلیسا که کجا باید بایستد. در ادامه اندیشه دکارت نسبت به انسان با کانت روبه‌روید و طرح سوبرگی انسان، باید از خود پرسید: چه چیزی بر کانت می‌گذشته است که «بودن» خود را در حضوری که باید نزد خود داشته باشد، دنبال کرد؟ و مسأله او شناختن واقعیات خارج نبود.



علم و صنعت افراد را از احساس

پوچی و بیهودگی‌هایی می‌بخشد

عرایض خود را با سخنان شهید مطهری شروع می‌کنم از کتاب «تعلیم و تربیت در اسلام». ایشان در قسمت آخر آن کتاب موضوع «کار» را به میان می‌آورند و متذکر می‌شوند که انسان دارای ابعاد گوناگونی است، با عقل خود متوجه قواعد عالم می‌شود و با قلب خود، حقایق را لمس می‌کند و با خیالش نسبتی با پدیده‌های بیرونی برقرار

